

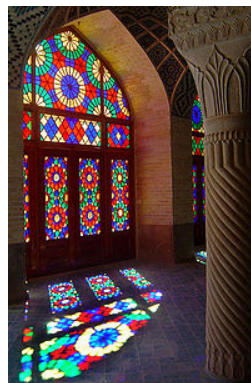


ایران در دوران معاصر

تاریخ اسلام شیعی در ایران - قسمت ۲ (ایران بعد از قادسیه)

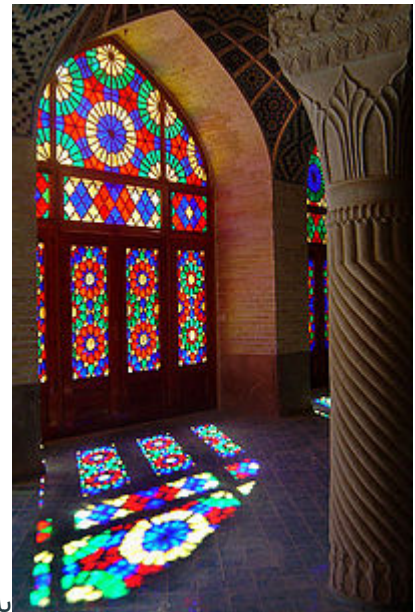
نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۱۰ شهریور ۱۳۹۳ | ۱۲ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

به نام ایزد پس از لشکر کشی ناثواب و پر خطا و ناصول انسانی عمر به ایران و شکست حکومت حاکمه (حال طاغوت یا هر چه از تازه مسلمانان افراطی که رگه های یاغی گری و توحش بادیه نشینی اعراب را با خود داشتند و کینه ایرانیان را از قبل، پس از ارتباط ناقص عمر بن خطاب خلیفه غیر قابل قبول و خود خوانده ی تازه مسلمانانی که او را بر مولا علی بن ابی طالب ارجحیت دادند و مایه ظلم و... بر بشریت و اسلام شدند ، جنگی درگرفت که در تاریخ به ورود غیر انسانی و ظالمانه و غیر شرعی اسلام به ایران معروف است. همین جا تذکر می‌دهم ل



به نام ایزد

پس از لشکر کشی ناثواب و پر خطا و ناصول انسانی عمر به ایران و شکست حکومت حاکمه (حال طاغوت یا هر چه از تازه مسلمانان افراطی که رگه های یاغی گری و توحش بادیه نشینی اعراب را با خود داشتند و کینه ایرانیان را از قبل، پس از ارتباط ناقص عمر بن خطاب خلیفه غیر قابل قبول و خود خوانده ی تازه مسلمانانی که او را بر مولا علی بن ابی طالب ارجحیت دادند و مایه ظلم و... بر بشریت و اسلام شدند، جنگی درگرفت که در تاریخ به ورود غیر انسانی و ظالمانه و غیر شرعی اسلام به ایران معروف است. همین جا تذکر میدهم لفظ اعراب در مقاله ام فقط منظور آن افرادی است که در هر ملتی از عرب و عجم و... بوده و هستند که معلوم الحال هستند. شهوت پرستی و زور گویی و نفاق مهترین جنبه های شخصیت این افراد بوده. مسلمانان با خصوصیات انانی والا از هر دین و آیینی مورد احترام نویسنده و هر فرد عاقل و آزاد اندیش و انسان واقعی ای بوده و هست.

در مورد قادسیه(*) مقاله ای مفصل تر با نقل قول از کتب تاریخی خواهم نگاشت کما اینکه دیگران و اساتید امر نیز چنین کرده اند ولی فاصله گرفتن از ظلم در هر رده ای که باشد برای هر نویسنده و انسانی مایه افتخار است. کما اینکه در مقالات زیادی چنین کرده ام و البته در ادامه تاریخ معاصر نیز درباره خیانات افراد و... بدون توجه به دین و آیین ایشان نیز چنین خواهم کرد.

به هر روی پس از رویارویی بزرگ لشکریان نومسلمانان خود خوانده با ایرانیان در منطقه ی قادسیه و آغاز ورود ایشان به ایران افرادی از خود ایرانیان جانب زورگویی و فرار از حکومت ایرانی را به دلایلی (احتمالی چون دقیقاً مطلع نیستم) همچون عدم رضایت از سیستم درباری و یا توزیع ناعادلانه ثروت و یا فساد اخلاقی یا هر آنچه یزی که به واسطه ی تفاوت دیدگاه و تضارب آراء در هر زمان و جامعه ای موجود است گرفتند و به تکرار حلقه های تاریخی مثل همیشه پرداختند و به سمت چیزی که بعد ها برای توجیح خود و اعمالشان چه توسط خود چه توسط تاریخ نگاران افراطی مسلمان بعدی (چه ایرانی چه غیر ایرانی) نام آنرا جهاد در راه خدا و تلاش برای سرنگونی طاغوت گذاشتند، با پشت کردن به ملت و حکومت آن زمان (چه ظالم چه غیر ظالم) به سوی مهاجمان رفتند و مثل همیشه ی تاریخ در

تقویت ایشان برای شهر گشایی هرآنچه توانستند کردند.

این نکته ی تلخ تاریخی در تاریخ همه ملت ها هست که افرادی سود جو و منفعت طلب که غالباً هم ساده لوح و ساده اندیش هستند را میتوان به نام هایی مثل خدا و ... یا قول بهشت یا ... به ظلم بر بشریت و ... فرا خواند. درباره غیر شرعی بودن این حرکات در اسلام ناب محمدی همین بس که در کل طول تاریخ امامان شیعه هیچ نمونه ی مشابهی در کشور گشایی و ... مشاهده نشده و نخواهد شد چرا که خود خداوند هم در قرآن کریم سخن از عدم اکراه از قبول دین دارد چه رسد به زور و جنگ. حکم های جهاد هم برای جای خودش قابل بحث است چرا که اصلاً کشور گشایی یعنی نوعی آفند در حالی که احکام اسلامی برای تدافع و پدافند است. مگر برداشت های افراطی دسته ای افراد که در دین و آیینی هستند و همین ها هستند که آتش بیار همه نوع خشونت و درگیری و نزاعی بوده و هستند. بی جهت نیست که میانه روی را خداوند ممان شاخصه ی اسلام دانسته است.

در مقاله ای جداگانه به این کشور گشایی های و ادعا های تقریباً اثبات شده ام توسط سایر منصفان و آگاهان و اساتید امر خواهم پرداخت. به هر روی آن دسته از افرادی که به سوی مهاجمان رفتند را تحت عنوان موالی در تاریخ میشناسیم. موالی، جمع «موالی» به معانی یار، یاور، دستگیر، آزاد شده، عبد، مملوک و غلام آزاد شده آمده است. و در اصطلاح به مسلمانانی «موالی» گفته می شود که، کافر بوده اند و به دست مسلمانان اسلام آورده و ولای آنها را پذیرفته اند. «۱» به پناهندگان مهاجری که برای تأمین امنیت پناهنده، که قبیله ای می شدند، نیز موالی گفته می شود. «۲» و این اصطلاح دلالت بر دون پایگی اجتماعی و نوکری و گماشته بودن نیز دارد. «۳» که البته عنوان و لقبی بهتر از این در انتظار افرادی که رو به افراطیون مهاجم و گسیخته از آیین حتی خود هستند روی آورند، نیست.

مهم خود این افراد (در اینجا موالی) نیست بلکه کمک آنان به استقرار و ورود خارج از انسانیت آیین اعتدال و مهربانی و ترقی انسانی به دست نا اهلان و افراطیون، است. چرا که طبق دستورات دین مبین اسلام نباید به زور ظالمان نگاه کرد بلکه باید به آنچه که مورد طلب و رضایت الهی است رسید. و این افراطیون جز بدنامی و ظلم به اسلام برای خود اسلام، و جز ظلم برای اطرافیان (در اینجا شامل مردم به سخره گرفته شده ایران و فرهنگ و تاریخی که به واسطه ی چنین افراطیونی تا حد نابودی کامل به نام اشتباه خدا و دین اسلام و طاغوت و ... پیش رفت نیز میشود) چیزی نداشته اند. ترس از تغییر ارزش های حکومت ایرانی پس از جابه جایی قدرت از یک سو و سهم خواهی و قدرت طلبی از سوی دیگر از عوامل مهم خیانت این افراد به مردم ایران به نام کمک به رهایی از ظلم و ... بوده است مثل همه جای تاریخ.

به هر روی در آستانه نبرد قادسیه، چهار هزار نفر ایرانی از نوعی که در بالا متذکر شدم به سپاه عرب پیوستند. آنان به فرماندهی «زهره بن حویه» برای شرکت در جنگ آماده شدند. این افراد که «حمراء» یا «موالی» نامیده شدند، برای پیوستن به سپاه عرب شرط کردند که پس از جنگ هر کجا خواستند بتوانند بروند، با هر قبیله ای که خواستند، هم پیمان شوند و سهمی از غنائم جنگی نیز بگیرند. با شرایط آنها موافقت شد و آنها در جنگ شرکت کردند. اینها پس از پیوندشان با برخی از قبایل عرب، اصطلاحاً «موالی» آن قبایل نامیده و مشهور به «حمراء» شدند. «۴»

تا همین جا میتوان پی به درستی ادعای نویسنده در این که ایشان افرادی ساده لوح را هماهنگ و برای بدست آوردن غنائم و دنیا طلبی با افراطیون دنیا طلب که به نام اسلام قصد حمله و به بردگی کشاندن ایران و ایرانی

داشتند به توافق کثیف و خائنانه رسیدند که مسلمانان نه در عقل و نه در شرع چنین چیزی پذیرفته نیست. در شرع و فقه اسلامی هر آنچه‌ای که عقل و خرد معتدل و جمع‌پسند اسلامی بدان حکم کند همان نیز حکم شرع دانسته شده. به همین دلیل لازم نیست مخاطب اطلاعات وسیعی از فقه و اسلام داشته باشد. ظلم و خیانت را هر لباسی بیوشانند ماهیتش غیر قابل انکار است و در شرع واقعی و دین ناب اسلام چنین چیزهایی نبوده و نیست و جاعلان و فاعلان چنین اعمالی در هر زمان به دنبال فساد و تباهی و سوء استفاده از هر آنچه مورد اقبال عمومی آید هستند. می‌خواهد نامش اسلام باشد و بازی با شرع می‌خواهد آیین‌های خود ساخته‌ای مثل وهابیت و بهائیت و ... باشد.

در مورد اخیر هم وقتی هدف چنین افرادی را در به دست آوردن قدرت با هم پیمانی با قبائل زورگو و پر منفعت یا بدست آوردن غنائم جنگی را می‌بینید مسلمانان به ماهیت واقعی چنین افرادی از یک سو و افرادی که با چنین افرادی موافقت می‌کنند (مهاجمان نو مسلمان خود خوانده) پی می‌برید. این افراد همان هستند که به واسطه‌ی خوی خشونت طلب و کینه جوینان خود نسبت به ایرانیان و حکومت (ولو طاغوتش) دین را ظاهر و پوششی برای رسیدن به اهداف خود می‌کنند و در این راه از معادله مشهور رسیدن به هدف به هر قیمتی بهره می‌برند. شاهد این مدعا در برده گرفته شدن و اهانت و خیانت و تجاوز به عنف زنان و دختران ایرانی و فروخته شدن ایشان در بازارهای برده داری اعراب خود خوانده و نو مسلمان آن زمان دارد. توجه به نکته‌ی پاراگراف قبلی نیز شاهدی دیگر بر این مدعا است (پیمان بستن با خائنان ایرانی).

بار دیگر ممکن است احکامی مثل کنیز داری یا غلام داری را افرادی بخواهند دلیل و توجیه چنین رفتارهایی کنند. به فرض که چنین چیزی را قبول کردیم (که نمی‌کنیم) رفتار و شیوه برخورد را چه؟ ظلم و خیانت را چه؟ ظاهرش را، نیاز به افرادی برای اجرای امور شخصی و یا تجاری می‌کنید، باطنش چه؟ اسلام همان دینی است که امام معصومش گفته ملعون است کسی که بار زندگی‌اش را بر دوش دیگری افکند. همان امام معصوم در خانه افرادی را برای رسیدگی به امور خانه و پاسخگویی به مراجعان داشته‌اند. شیوه برخورد آنان را که مرور کنید به باطن چنین افرادی و لزوم بودن امامان معصوم برای فهمیدن اصل اسلام بیش از هر زمانی خود نمایی می‌کند.

به هر روی پس از به معنی واقعی فتح ایران (۵) به دست افراد فوق، شمار فراوانی از ایرانیان در عراق به خصوص شهر کوفه سکنی گزیدند؛ چنان‌که در

شکل‌گیری شهر کوفه، دومین عنصر اساسی پس از اعراب به حساب می‌آمدند. ایرانیان ساکن کوفه چنین افرادی بودند:

- افرادی که به دست فاتحان فوق اسیر شده و به عنوان برده به کوفه آورده شدند، اکثر آنها اسلام آوردند و آزاد شدند، ولی هم‌پیمان و نان‌خور اعراب باقی ماندند.

- کسانی که زندگی خود را در امپراتوری فارس از دست داده بودند، کوفه را مناسب‌ترین شهر برای بازیابی فرصت‌های شغلی خویش یافتند و به آنجا هجرت کردند.

- شماری از زندانیان ایرانی آزاد شده در جنگ نهاوند، و زنانی که برده فاتحان مسلمان شده بودند و به ازدواج اسیر

گیرندگان خود درآمده بودند و همچنین ۴۰۰۰ دیالمه ای که در آغاز تأسیس کوفه بدانجا رفته بودند، از دیگر ایرانیانی بودند که جمعیت ایرانی شهر کوفه را تشکیل می‌دادند. «۶»

و اما آخرین نکته اینکه :

زور گویی و خلاف عقل بودن را از حرکت آخر و نتیجه واکنشی مردم ایران به ایشان میتوان فهمید چرا که معنی ندارد برای ورود دین از نوع حق مورد هجومه و غارت قرار گرفت و همه چیز را از دست داد و از نو شروع کرد. بردگی زنان ایرانی توسط شهوت پرستان غیر مسلمان سود جو در لباس اسلام بارها مورد تاکید قرار گرفته توسط نویسندگان زیادی برای اهداف زیادی (مثل سرایت اهداف پلید این افراد به کل اسلام یا خشونت آمیز بودن احکام اسلام بواسطه ای اعمال افراد و حاکمان خود خوانده ای این چنینی و ...) که هدف نویسنده چیزی جز اجرای اصل اسلامی گفتن حقیقت ولو به ضرر باشد (کما اینکه اعتقاد بنده در منفعت همیشگی حقیقت است مگر برای تقیه) نیست. بقول خداوند ممان لول ایشان را خوش نیاید.

قسمت بعدی نکته ام مربوط به نقش هوش و توانایی ایرانیان است که قابل توجه و مکشوف سودجویان و ظالمان مهاجم نیز قرار گرفته و صرف نظر از خیانت موالی ایرانی نقش ایشان در ایجاد نظم و سایر موارد مورد نیاز تشکیل حکومت در کوفه را نباید از یاد برد. داشتن هوش و توانایی در کنار عدم پایبندی به اخلاق و آیین الهی همیشه ی تاریخ عامل اصلی به هلاکت افتادن نوع بشر بوده است (در اینجا موالی ایرانی). این نکته را به ذکر این سخن به پایان میبرم که موالی ایرانی با ساکن کردن ایرانیان پر هوش و توانا در کوفه و شهر های به دست فاتحان افتاده ضعف خود را در زمینه سیاست و ... جبران کردند و زور گویی خود را به نتیجه رساندند. چون میدانستند عدم موفقیت مهاجمان یعنی انتقام ایرانیان آزاده از خائنان.

ضعف و عوامل سقوط حکومت ساسانی در مقابل مهاجمان و .. را در کتب زیادی میتوانید پیگیری کنید. نکته هایی را بنده نیز ذکر خواهم کرد و در مطلب بعدی درباره اینکه میگویند مولا علی ع به ایشان همفکری داده اند نیز بحث مفصلی با استناد خواهم کرد. اگر توفیقی باشد. یا حق. هادی فرهنگ دوست

پ.ن

(*) نبرد قادسیه، از ۲۵ تا ۲۹ آبان (۶۳۵ میلادی) بین سپاه ایران و اعراب در حمله اعراب به ایران در سرزمین قادسیه (در نزدیکی کربلای کنونی) اتفاق افتاد، که در این جنگ اعراب ساسانیان را مغلوب کردند. نخستین جنگ بزرگ میان اعراب و ایران بوده که در سال چهاردهم هجری اتفاق افتاد و سرآغازی بود بر چیرگی اعراب بر سرزمین ایران و فروپاشی امپراطوری ساسانیان منجر شد. قادسیه نام روستا و صحرایی است در جنوب نجف و ۱۸۰ کیلومتری جنوب بغداد واقع شده است. نبرد تاریخی قادسیه چهار روز به طول انجامید که مورخان عربی نام هر روز از این جنگ را به ترتیب ارمات، اغواث، عماس و لیلۀ الهریر ذکر نمودند.

(۱). لغت نامه دهخدا، ذیل عنوان «مولی» و «موالی».

(۲). سید مصطفی، حسین دشتی، معارف و معاریف، ذیل عنوان «موالی».

(۳). تشیع در مسیر تاریخ، ص ۱۰۲.

(۴). تاریخ تشیع در ایران، رسول جعفریان، ج ۱، ص ۱۱۱.

(۵) تاکید نویسنده بر واژه فتح به دلیل این است که ورود اسلام به ایران را غیر شرعی، و شیوه ورودش را غیر انسانی و ظالمانه میدانند. پس کشور گشایی است نه جهادی که در اسلام برای مقابله با مهاجمان آمده است. غیر انسانی است زیرا با جنگ و خون ریزی و خشونت آمده است ولو دین خدا باشد. کما اینکه خداوند بارها در قرآن مجیدش بر تسخیر قلب ها سخن گفته و کفار را افرادی خشن و غیر عاقل و ... معرفی میکند. پس دین خدا نیز بهانه ای برای پوشش سازی افرادی دنیا طلب در لباس دین. ظالمانه است زیر پس از برکناری حاکم طاغوتی ایران، به هر جا که رفتند به زور گفتند یا مسلمان میشوید به آن طریقی که ما میگوییم یا کشته میشوید! این کجا و اسلام واقعی کجا. ظلم و زور در پذیرش دین ! لا اکره فی الدین!

(۶) تشیع در مسیر تاریخ، ج ۱، ص ۱۰۱-۱۰۲.

آدرس مطلب فوق در وبلاگ شخصی ام:

<http://url.parsiandej.ir/acvEV>

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «تاریخ اسلام شیعی در ایران - قسمت ۲ (ایران بعد از قادسیه)»، پارسیان دژ، ۱۳۹۳.

خواندن مقاله و پیوست های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<http://parsiandej.ir/articles/1543/pdf/تاریخ-اسلام-شیعی-در-ایران.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵